

مردم‌شناسی جنسیت در میان چهار موج مردم‌شناسی ایرانی

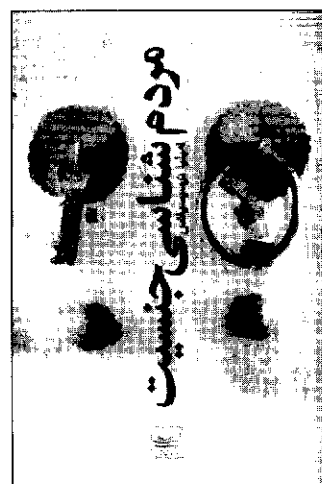
علیرضا حسن‌زاده

عضو هیئت علمی پژوهشکده مردم‌شناسی

چهار موج مردم‌شناسی ایرانی

چنانچه شکل‌گیری ادبیات مردم‌شناختی را در ایران بررسی کنیم، می‌توان به شناسایی موجها و دوره‌هایی دست یافت که نقد کتاب مردم‌شناسی جنسیت در مناسبت و چگونگی انطباق خود با این دوره‌ها ممکن خواهد شد. نخست باید از پیشگامان طرح موضوعات و مضامین مردم‌شناختی چون صادق هدایت نام برد، که بر طرح موضوع مردمی و روش‌شناسی علمی ثبت و ضبط آن تأکید و تکیه داشتند. از این دوره کتاب نیرنگستان صادق-هدایت در ثبت گسترده وقایع مردمی (folk facts) و مقاله وی در مورد شیوه جمع‌آوری مواد فولکلوریک و فرهنگ عامه (مجله سخن) و ویژگی‌های ادبیات این موج را بازمی‌تاباند. جمع‌آوری موضوعی فرهنگ عامه که مورد تأکید هدایت بود، در آثار محققان پیرو وی ادامه یافت: انجوی شیرازی، محمود کتیرایی، جعفر شهری، احمد شاملو، صادق هماپونی، پناهی سمنانی و ... نمونه‌هایی برای شناخت ادبیات مردم‌شناختی این موج و دوره‌اند، دوره دوم ادبیات مردم‌شناختی ایران با بنیانگذاری مراکزی چون مرکز مردم‌شناسی ایران و بنیاد ایران-شناسی مقارن است.

این موج مردم‌شناختی به ویژه با تأسیس مرکز مردم‌شناسی ایران روی داد و مبتنی بر کار میدانی (field work) اتنوگرافی (ethnography) و مونوگرافی (monography) بود. شاید چشم‌انداز قابل اشاره از ادبیاتی که گفت‌مان علمی مسلط در این دوره به تولید آن پرداخت، مجله هنر و مردم و مردم‌شناسی و فرهنگ عامه و مقالات مردم‌شناختی متعددی است که بر پایه پژوهش میدانی در این دوره تولید و تدوین شد. در این دوره گردآوری فولکلور نیز نه بر پایه روشهایی چون روش انجوی شیرازی (عدم ارتباط مستقیم) بلکه بر اساس کار میدانی صورت گرفت. برای مثال می‌توان به مقاله «زایش یک افسانه» اثر کاظم سادات اشکوری اشاره داشت که چگونگی ثبت میدانی افسانه را به عنوان یک مطالعه اتنوگرافیک آشکار می‌نماید. توجه به کار میدانی بود که اولین آثار قوم‌پژوهی ادبیات مردم‌شناختی ایران را نیز شکل بخشید، شاهکار این دوره اثر جلیل ضیاءپور در بررسی پوشاک اقوام ایرانی با توجه به دو مؤلفه کار میدانی و تفاوت‌های قومی، مذهبی و جغرافیایی است، در همین گونه جای دارد، آثار ترکمن‌پژوهی هوشنگ پورکریم و مقالات و کتابهای دیگری را که بر پایه حوزه‌های فرهنگی (culture area) با همکاری مردم‌شناسان ایرانی و غیرایرانی چون ژان پیر دیگرار، مارسل بازن، کریستین برومبِرژه، اصغر کریمی و ... در مورد اقوام و عشایر ایران به چاپ رسید. یادآور می‌شویم در عین حال در این دوره گاه با الگوهای نظری روبه‌رو می‌شویم چون کتاب اهل هوا اثر غلامحسین ساعدی که بر پایه مفهوم کلیدی و محوری «فقر» به تحلیل آیین «زار» در جنوب ایران می‌پردازد، و می‌کوشد در درک آیین به مثابه متن از نقطه‌ای تئوریک حرکت کند و البته باید از مقدمه باورها و دانسته‌ها در ایلام و لرستان (باجلان فرخی، محمد اسدیان و منصور کیایی) نام برد. با این حال و به طور نمونه اهل هوا عدم شناخت مفاهیم کلیدی‌ای چون فرهنگ فقر (Poverty culture) که حتی در دایره المعارف‌های علوم اجتماعی دهه ۶۰ نیز دیده می‌شود،



— مردم‌شناسی جنسیت (چ اول)

— امیلیا نرسیسیانس

— پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان

میراث فرهنگی و گردشگری و نشر افکار

— ۱۳۸۴، ۲۱۴ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه،

۲۲۰۰ تومان

اگر روزی شاهد فعالیت موثر و مسئولانه هر دو جنس با اتکا به حقوق، فرصت‌ها و پاداش‌های عادلانه در زمینه‌های مختلف زندگی باشیم مسلماً دنیای بهتری و سالم‌تری را برای کار، فعالیت و زندگی خواهیم داشت

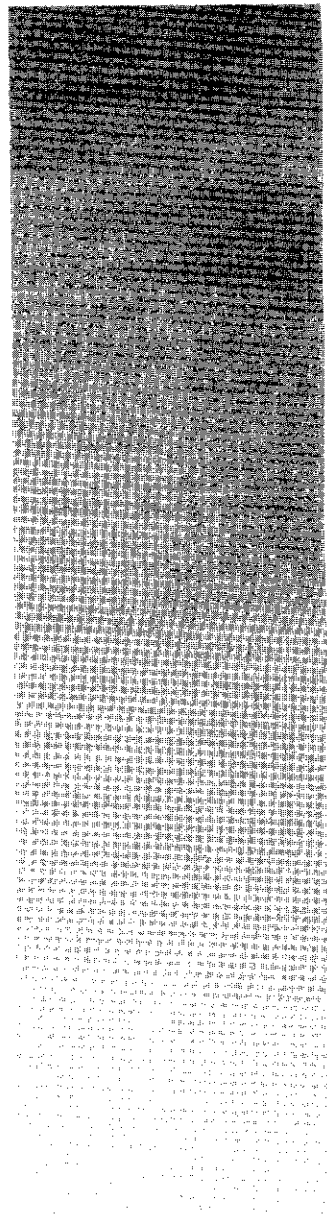
کاستی نظری ادبیات مردم‌شناختی این دوره را به ما یادآور می‌شود. می‌توان گفت که گرایش گفتاری و روشی مسلط در ادبیات علمی این دوره تأکید بر روش‌شناسی گردآوری فولکلور بر حسب کار میدانی، اتنوگرافی و مونوگرافی بوده است. در این موج کتاب زار، باد، جن اثر ریاحی با طبقه‌بندی دانش جادویی و قوم‌پزشکی ایرانی در کنار اثر ساعدی (اهل هوا) توجه افزون‌تر به آیینهای جادویی و دینی را نشان می‌دهد و تأثیر کتاب ساعدی خود را در تولید برخی آثار سینمای اتنوگرافیک ایران چون «زار» تقوایی آشکار می‌سازد و بدین ترتیب کتابهای مردم‌شناسی و گزارشهای اتنوگرافیک آنها، برسینمای مستند و قوم‌پژوه ایران تأثیر می‌نهند. جالب آن است که مفهوم نظری و کلیدی فقر نیز در این تأثیر‌گرایی انتقال می‌یابد. از تأثیرات و نشانه‌های، دیگر این موج آثار مونوگرافیک چون مونوگرافی مشکین شهر از ساعدی است که بعدها در امواج پسین‌تر در کارهای صفی‌نژاد، فرهادی، طاهباز و... دنبال می‌شود.

قدرت ادبیات یاد شده نیز به ثبت اتنوگرافیک و میدانی آن بازمی‌گردد. این ادبیات از نظر ضبط و ثبت مواد فرهنگی و معرفی فرهنگ اقوام ایرانی آن قدر قدرتمند است که مورد اشاره مردم‌شناسان غربی قرار گیرد و نمونه آن اشارات متعدد ویلیام آیرونز، ترکمن پژوه پرواوازه امریکایی، به آثار هوشنگ پورکریم در کتاب خود با نام یموت‌های ترکمن است. شاید بر حسب طبقه‌بندی موضوعی فرهنگ مردم در آثار محققانی چون محمود پاینده لنگرودی نتوان آن را از آثار دوره نخست جدا کرد، اما در اینجا باید از روش‌شناسی آثار مزبور در تفکیک آنها از ادبیات دوره نخست سخن گفت. کوشش در ارائه مدل‌های نظری، آثار مردم‌شناسی چون غلامحسین ساعدی، باجلان فرخی و علی بلوکباشی را به دوره سوم نزدیک می‌کند. اما مردم‌شناسان این دوره، از ادبیات مردم‌شناختی، توانایی بالای خود را در دوره‌های بعد نیز با اتنوگرافی بسیار دقیق نشان می‌دهند، چون مشهد اردهال علی بلوکباشی، آنان همچنان در تحلیل خود از نظامهای معنایی و نمادین فرهنگ ایرانی (چون اسطوره) به وقایع ثبت شده میدانی توجه می‌کنند چون اثر باجلان فرخی شناخت اساطیر ایران (نشر اساطیر). اما پس از وقوع انقلاب اسلامی و فاصله چند ساله‌ای که برای شکل‌گیری نهادهای پژوهشگاهی و دانشگاهی به وجود آمد، عملاً ادبیات مردم‌شناختی از ریشه‌های خود منقطع شد و شکاف زمانی، شکافی در تداوم ادبیات مربوط به مطالعات مردم‌شناختی را باعث گردید و برای نمونه آثار پراپ در زمینه تحلیل ریخت‌شناختی قصه‌های پریان بسیار پیشتر از زمانی که توسط فریدون بدره‌ای و مدیا کاشیگر ترجمه شده از سوی کاظم سادات اشکوری در مجله هنر و مردم معرفی و لزوم توجه آن یادآوری شده بود. توجه به مباحث نظری و معرفی نظامهای تئوریک در دانش مردم‌شناسی در کوشش مردم‌شناسان موج سوم ظاهر می‌شود. اگر چه از نظر زمانی اندیشمندی نزدیک به شاخه مردم‌شناسی چون حمید عنایت به معرفی مردم‌شناسان بزرگی چون لوی اشتراوس و دستگاه نظری آنها پرداخته بودند، اما کار آنان در حد یک اتفاق باقی ماند و تبدیل به یک موج فراگیر و یک دوره نشد. این موج در ادبیات مردم‌شناختی ایران در پیوند با نهضت ترجمه و توجه به مباحث نظری از کار میدانی دوره دوم فاصله گرفت. محسن ثلاثی، فاطمه گیوه‌چی، و ناصر فکوهی از نمایندگان موج یاد شده‌اند که گروهی از مترجمان ایرانی چون عباس مخبر، علی اصغر بهرامی و... نیز به آنها پیوستند. آسیب‌شناسی مطالعات مردم‌شناختی از سوی موج سوم کوشید فقدان مدل‌های تئوریک در آثار اتنوگرافیک موج دوم را با معرفی دستگاههای نظری جبران سازد، اما فروکش موج دوم (موج کار میدانی) و یا عدم الحاق آن به موج سوم (موج تئوریک) آسیب جدیدی را برای ادبیات مردم‌شناختی به وجود آورد و آن ادبیات نظری منهای کار میدانی بود. موج سوم را می‌باید دارای شاخه دیگری نیز دانست که آن تولید کتابهای دانشگاهی مردم‌شناسی بود و نماینده آن روح‌الامینی (گرد شهر با چراغ) محمد شریف کمالی و عسگری خانقاه (انسان‌شناسی زیستی) محمود صفی‌نژاد (بته و...) و... بودند. بحث درباره مفاهیم اساسی چون فرهنگ (روح‌الامینی) و تولید فرهنگ‌نامه‌ها (عسگری خانقاه) در این جایگاه قرار دارد. اما سنتز چالش دو موج دوم و سوم مردم‌شناسی ایرانی به موج چهارمی منتهی شد که با تکیه بر مورد (case) مطالعاتی ویژه، همزمان به کار میدانی و نظری پرداخت، موج چهارم ادبیات مردم‌شناختی ایران، دو گروه از مولفان را دربر دارد، نخست گروهی از نمایندگان تأثیرگذار و مُبدع موج سوم چون دکتر ناصر فکوهی که در کنار تولید و ترجمه کتابهای نظری مردم‌شناسی به تألیف کتابهایی چون انسان‌شناسی شهری بر مبنای کار میدانی دست یازیدند و امیلیا نرسیسیان نیز با تولید دو کتاب دوزبانگی (موج چهارم) و مردم‌شناسی جنسیت (موج سوم) حضور توأمان خود را در هر دو موج نشان می‌دهد. از سوی دیگر این موج گروهی از مردم‌شناسان را با معدل سنی جوان در بر دارد که به لزوم تغییر رویکرد مردم‌شناختی و توجه همزمان به نظریه و زمینه

مطالعه و قوف یافتند، ما و آنها (سپیده پارسا پژوه) زن و قدرت (پردیس قندهاری) مردم‌شناسی مجازی (مهرداد میردامادی) تعمیدیان غریب (مهرداد عربستانی) آیین‌های شفا (علیرضا ملک زاده) و... آثاری از این شمار محسوب می‌شوند.

اما در این میان می‌توان به موجهایی با محتوا و ویژگی خاص چون اسطوره‌شناسی ایرانی اشاره داشت که خود به پنج شاخه تقسیم می‌شود: موج اسطوره‌شناسی آریایی (آثار ابراهیم پور داوود [پدر ایران‌شناسی] احسان یار شاطر، ژاله آموزگار، احمد تفضلی، حصوری، محمد مکرری و...) ۲- اسطوره‌شناسی ماقبل آریایی (آثار مهرداد بهار [پدر اسطوره‌شناسی]، کتیون مزدآپور، ابوالقاسم اسماعیل‌پور...) ۳- اسطوره‌شناسی روانشناختی (آثار جلال ستاری، محمد صنعتی و...) ۴- مردم‌شناسی اسطوره (علی بلوکباشی، باجلان فرخی، ناصر فکوهی و...) ۵- جهانشمولی ایرانی (محسن ثلاثی، محمد میرشکرایی، مجید یوسف‌زاده و...) این موج خاص با توجه به ادبیات گسترده و وسیع اسطوره‌شناسی در ایران خود جایگاهی ویژه از مطالعات مردم‌شناختی را با چهار گرایش مردم‌شناسی، فرهنگ و زبان باستانی، روان‌شناسی و باستان‌شناسی در بردارد و گاه در آن با رویکرد رومانتیک به مفهوم و نشانه‌های فرهنگ ایرانی مواجه می‌شدیم.

در این میان موج قابل تأملی از مطالعات مردم‌شناسی ایرانی خارج از کشور در مورد مباحث فرهنگی و اجتماعی ایران شکل یافته است، ویلیام آیرونز، سالزمن، فریدل، برومبوژه، خواهران حائری، فریبا عادلخواه، شهرآشوب رضوی، مایکل فیشر، کارن میلر و... از شمار این مردم‌شناسان هستند. اگر چه برخی از این مردم‌شناسان ایرانی خارج از کشور چون نیلوفر حائری به بررسی مضامین غیرایرانی نیز پرداخته‌اند کتاب زبان مقدس و مردم عادی: دین، دولت و مدرنیته در مصر، اما گروهی از آنان به‌طور خاص بر روی فرهنگ ایرانی کار کرده‌اند: افسانه نجم‌آبادی که یکی از دو ویراستار دانشنامه زنان و جهان اسلام (دانشگاه هاروارد) است، با آثاری چون داستانی از دختران قوچان، جنسیت و حافظه قومی در تاریخ ایران، خودنوشت زندگی زنان در ایران معاصر، زنان بدون سبیل و مردان بدون ریش: جنسیت و اضطراب جنسی در مدرنیته ایرانی، اصلاحات ارضی و تغییر اجتماعی در ایران، چند پارگی افغانستان و... مایکل فیشر با کتاب رویای گنگ، بوف کور، آگاهی پراکنده: شعر پارسی در حوزه سنت، ایران از نزاع مذهبی تا انقلاب، شهلا حائری با کتابهای قانون میل: ازدواج موقت در ایران شیعی، ازدواج موقت و دولت در ایران: یک گفت‌وگو اسلامی براساس زنانگی، کوچ‌نشینی و انسان‌شناسی معاصر در ایران: مردم کوچ‌نشین! لوب با کتاب زندگی یهودیان در جنوب ایران، ریچارد تایلر با کتاب: مرتع و سیاست: اقتصاد، تضاد و آیین در میان کوچ‌نشینان شاسون در شمال غربی ایران و... از شمار این کتابها هستند. در عین حال در مروری بر موجهای مردم‌شناسی ایرانی باید گفت موج سوم با تولید و ترجمه دو دانشنامه بزرگ مردم‌شناسی (دانشگاه ییل و کتابهای مرجع امریکا) از سوی پژوهشکده مردم‌شناسی (به کوشش مهرداد میردامادی، علیرضا حسن‌زاده و محمد میرشکرایی) و دانشنامه انسان‌شناسی (راتلج) به سرپرستاری ناصر فکوهی و ویراستاری مهرداد میردامادی گام بلندی بر خواهند داشت. با این حال در مروری به موجهای ادبیات مردم‌شناختی ایران، توجه به دو موج پررنگ و کم‌رنگ الزامی است. باری در کنار موجهای نامبرده باید از یک شاخه بسیار قوی و موج پررنگ که از سوی موسیقی‌دانان مردم‌شناس ایرانی چون محمدرضا درویش، محمد تقی مسعودیه، ساسان فاطمی و... در شاخه قوم‌موسیقی‌شناسی شکل گرفت، نام برد. این شاخه به‌طور قدرتمندی اتنوگرافی موسیقی خرد فرهنگهای ایرانی را گردآورد و دایره‌المعارف‌سازهای ایرانی اثر محمدرضا درویشی در این موج به‌عنوان کتاب و اثر برگزیده یونسکو انتخاب شد. همچنین موج پررنگ و فرافارسی مردم‌شناسی جنسیت با آثار افسانه نجم‌آبادی (مجموعه آثار)، سهیلا شهشهانی (چهار فصل آفتاب، سربندهای زنانه) نرسیسیانس (مردم‌شناسی جنسیت) زن و قدرت (قندهاری) زن و فرهنگ (حسن‌زاده و میرشکرایی) ترجمه فمینیسم و مردم‌شناسی (ایولین رید) ترجمه بلوغ در ساموآ (مارگارت مید) و... در ادبیات مردم‌شناختی ایران قابل شناسایی است. (آثار تألیفی و ترجمه) در عین حال در حوزه‌های دیگری نیز می‌توان روند شکل‌گیری ادبیات موضوعی زیرشاخه‌های مردم‌شناسی را مشاهده کرد. برای مثال سینمای اتنوگرافیک و مباحث مربوط به آن با اثر شهاب‌الدین عادل (سینمای قوم‌پژوهی) و مقالاتی از مؤلفانی چون شیخ مهدی، احمد میراحسان، محمدرضا قریبانی در دست چاپ است. بر پایه آنچه گفته شد می‌توان نمودار زیر را از موجهای چندگانه مردم‌شناسی ایرانی ترسیم کرد.



افراد:

صادق هدایت
انجوی شیرازی
محمود کتیرایی
جعفر شهری
صادق همایونی
پناهی سمنانی
و...

ویژگیها:

روش‌شناسی مردمی ←

موضوع مردمی ←

فرهنگ‌نامه‌های مردمی ←

آثار نمونه:

مقاله هدایت در مجله سخن

هدایت، نیرنگستان

کوچه، شاملو

موج دوم: کار میدانی، اتنوگرافی، مونوگرافی

افراد (یا مراکز):

مرکز مردم‌شناسی
بنیاد ایران‌شناسی
غلامحسین ساعدی
هوشنگ پورکریم
علی بلوکباشی
باجلان فرخی

ویژگیها:

اهمیت و لزوم کار میدانی: اتنوگرافی و مونوگرافی ←

قوم‌پژوهی و قوم‌نگاری ←

(اتنوگرافی با ثبت گروه‌های قومی و دینی)

آثار نمونه:

غلامحسین ساعدی:

اهل هوا، مشکین شهر

جلیل ضیاءپور: (پوشاک):

ترکمن پژوهی

فولکلور: گزارش و ثبت میدانی فولکلور اشکوری، زایش یک افسانه

باورها و دانسته‌ها در ایلام و لرستان

حرکت از موج دوم

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

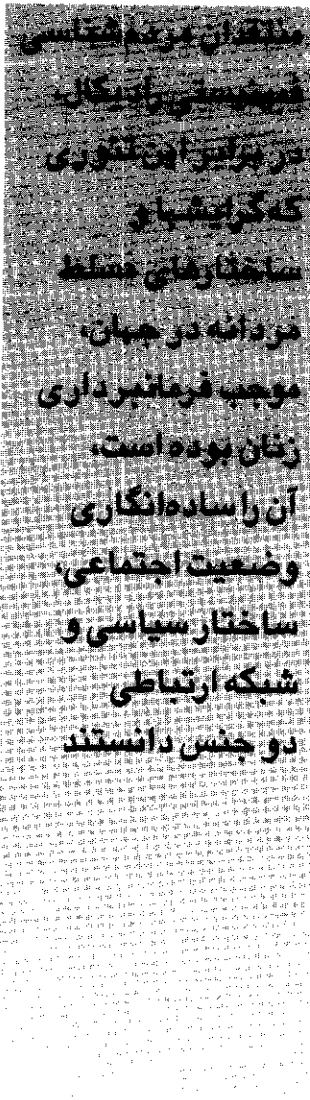
موج متداخل: انسانی

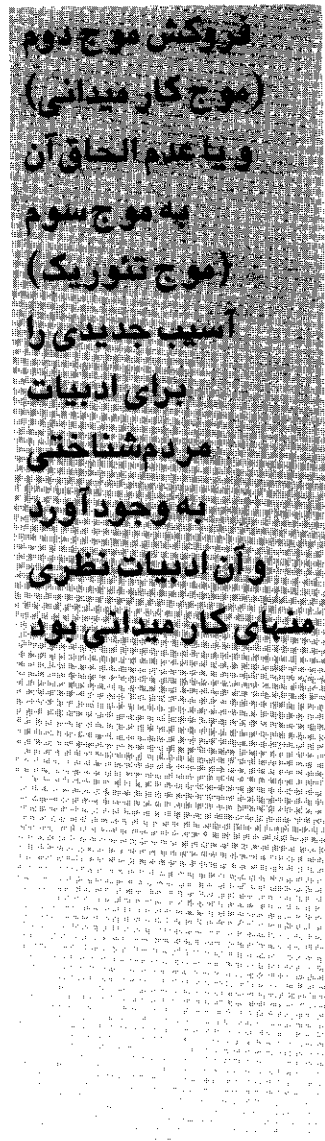
آثار باجلان فرخی - غلامحسین ساعدی - علی بلوکباشی...



موج سوم

کاظم سادات اشکوری
مرتضی فرهادی
منوچهر ستود
محمد مکرری
محمود پاینده لنگرودی
ژان پیردیگار
اصغر کریمی
مارسل بازن
کریستین برومبوزه
سکندر امان‌الهی
جلیل ضیاءپور
آل احمد
سیروس طاهباز
و...

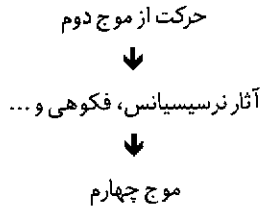




فروکش موج دوم
(موج کار میدانی)
و یا عدم الحاق آن
به موج سوم
(موج فنوریک)
آسیب جدیدی را
برای ادبیات
مردم شناختی
به وجود آورد
و آن ادبیات نظری
منهای کار میدانی بود

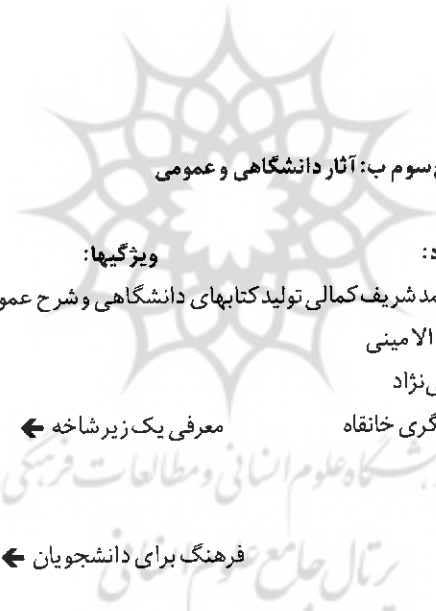
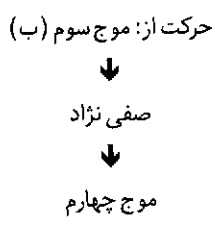
موج سوم - الف: اهمیت ترجمه و معرفی نظامهای نظری

افراد:	ویژگیها:	آثار نمونه:
فاطمه گیوهچی	ترجمه آثار نظری و	بالا ندیه، گیوهچی: انسان شناسی سیاسی
محسن ثلاثی	معرفی یک زیرشاخه مدون ←	یحیی مدرسی (آثار انسان شناسی زبان شناختی)
حمید عنایت		
یحیی مدرس		
ناصر فکوهی	ترجمه آثار کلاسیک و پایه ←	ثلاثی (جامعه باستان، سرکوب جنسی در جوامع وحشی، ...)
علی اصغر بهرامی		
عباس مخبر	مجموعه نظری ←	فکوهی، نظریه ها و اندیشه های انسان شناسی
فریدون بدره ای		
جلال رفیع فر		
نرسیسیانس	معرفی جامع یک انسان شناسی ←	عنایت (لوی اشتراوس)
علیرضا قبادی		
و ...		



موج سوم ب: آثار دانشگاهی و عمومی

افراد:	ویژگیها:	آثار نمونه:
محمد شریف کمالی	تولید کتابهای دانشگاهی و شرح عمومی ←	روح الامینی: گردش شهر با چراغ
روح الامینی		
صفی نژاد		
عسگری خانقاه	معرفی یک زیرشاخه ←	عسگری خانقاه و محمد شریف کمالی: انسان شناسی زیستی
و ...		
	فرهنگ برای دانشجویان ←	عسگری خانقاه: فرهنگ مردم شناسی



موج چهارم: توجه همزمان به کار میدانی و نظام نظری: مردم‌شناسی ایرانی

مضامین مهمی چون

وضعیت چند هویتی

در جوامع چندرنگه

و موقعیت

مدربین اسپون

که جامعه ایرانی

با آن مواجه است،

مورد توجه مؤلف

واقع نشده است

آثار نمونه:

نرسیسیانس: دوزبانگی ملک‌راه:
مردم‌شناسی پزشکی: آینه‌های شفا

ویژگیها

مطالعه میان رشته‌ای یک مورد میدانی ←
روش شناسی مدرن: گفت و گوی باز ←
پارسا پژوه (ما و آنها) قندهاری (زن و قدرت)

افراد

امیلیا نرسیسیانس
ناصر فکوهی
مهرداد میردامادی
علیرضا ملک‌راه
سپیده پارسا پژوه
پردیس قندهاری
مهرداد عربستانی

فکوهی (انسان‌شناسی شهری)
میردامادی (مردم‌شناسی مجازی)

مرور نظری و اتنوگرافی مدرن

عربستانی (تعمیدیان غریب)

بررسی میدانی یک مورد مطالعاتی از یک

زیرشاخه مهم ←

... و

موج پررنگ – جریانهای خاص و شاخص: قوم موسیقی شناسی

آثار نمونه:

مسعودیه: موسیقی ترکمن،
محمد رضا درویشی (مجموعه آثار)،
فاطمی، (موسیقی مازندران)، دورینگ
(موسیقی و عرفان [اهل حق])

ویژگیها:

بررسی نظری یک مورد
مطالعاتی از طریق اتنوگرافی

افراد:

محمد رضا درویشی
محمد تقی مسعودیه
ساسان فاطمی
ژان دورینگ

... و

موج خاص: اسطوره شناسی ایرانی (آریایی، ماقبل آریایی، جهانشمولی ایرانی، روان‌شناختی و مردم-

شناختی، ایدئولوژیک)

افراد:

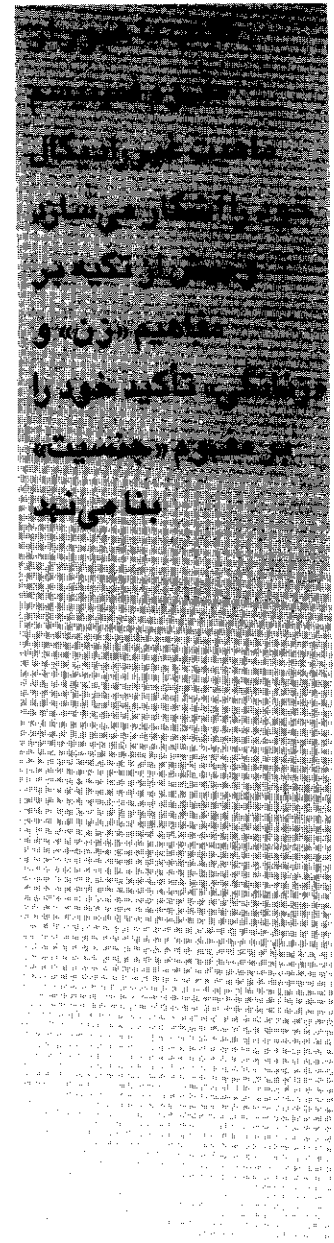
ابراهیم پورداوود
مهرداد بهار
جلال ستاری
کتایون مزدآپور
ابوالقاسم اسماعیل پور
خجسته کیا
ژاله آموزگار
ناصر فکوهی
احمد تفضلی
علی حصوری
احسان یارشاطر
علی بلوکباشی
ایرج اسکندری
باجلان فرخی

ویژگیها:

اسطوره‌شناسی آریایی ←
اسطوره‌شناسی ماقبل آریایی ←
جهانشمولی ایرانی ←
روانشناختی ←
مردم‌شناختی ←
ایدئولوژیک ←

آثار نمونه
پورداوود (یشتها) آموزگار و تفضلی
(ادبیات فارسی پیش از اسلام) و...
مهرداد بهار (شناخت اساطیر ایران)
مزدآپور (مجموعه آثار و مقالات: سیاوش و...)
اسماعیل پور (مجموعه آثار و مقالات) و...
محسن ثلاثی (جهان ایرانی و ایران جهانی)
محمد میرشکرایی (مجموعه مقالات) و...
جلال ستاری (مجموعه آثار)
محمد صنعتی (مجموعه آثار) ...
باجلان فرخی (مجموعه آثار)
علی بلوکباشی (نوروز، مشهد اردهال و...)
ناصر فکوهی (اسطوره‌شناسی سیاسی)
ایرج اسکندری (در تاریکی هزاره‌ها)

... و



موج فراملی: مردم‌شناسی ایرانی خارج از کشور

افراد:

ویلیام بیمن
مایکل فیشر
ویلیام آیرونز

گونه‌ها:
مردم‌شناسی ادبیات ←

سالزمن
فریبا عادلخواه
فریدل

قوم پژوهی ←

افسانه نجم‌آبادی
نیلوفر حائری
شهلا حائری

زبان ←

زیبا میرحسینی
کارن میلر
شهلا نجم‌آبادی

فولکلور ←

ژان پیردیگار
کریستین برومبرژه
ژان دورینگ

عرفان و دین ←

و...

غذا ←

آثار نمونه:

مایکل فیشر (رویای گنگه، بوف کور و...)

آیرونز (یموتهای ترکمن) سالزمن (بلوچها)
برومبرژه (گیلکها)

ویلیام بیمن

(زبان، منزلت و قدرت: مورد پژوهی ایرانی)

کارن میلر (فرانمود عملی و دنیای آرمانی)
مارزلف (طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی)

زیبا میرحسینی (اهل حق و...)
ژان دورینگ (موسیقی و عرفان)

شهر آشوب رضوی (خوراک)

موج پررنگ و فرافراسی

افراد:

افسانه نجم‌آبادی
امیلیا نرسیسیانس
سهیلا شهشهبانی

ویژگی‌ها:
مطالعه موردی ←

معرفی نظریه و روش‌شناسی ←

پردیس قندهاری
شهلا حائری

معرفی مردم‌شناس ←

شهلا نجم‌آبادی
فریدل

کارمیدانی ←

ترجمه آثار کلاسیک و پایه

سپیده پارسا پژوه

و...

آثار نمونه:

افسانه نجم‌آبادی (دختران قوچان)
قندهاری (زن و قدرت) پارسا پژوه (ما و آنها)
نرسیسیانس (مردم‌شناسی جنسیت و...)

زن و فرهنگ (بزرگداشت مارگارت مید)

بلوغ در ساموآ (مید) فمینیسم و مردم‌شناسی
(ایولین رید) و ...

پرونده‌های علمی و مطالعات فرهنگی

پایه‌های علمی و مطالعات فرهنگی

موج کم‌رنگ بازی و ورزش

افراد:

ثریا قزل‌ایاق
ابراهیم مختاری
مهرداد بهار

تدوین و طبقه‌بندی بازیها ←

ابوالقاسم انجوی شیرازی
پژوهشکده مردم‌شناسی
داوود محمدی

ثریا قزل‌ایاق (راهنمای بازیهای ایران)

مردم‌نگاری بازیهای یک استان ←
ابوالقاسم فقیری (بازیهای محلی فارس)
زهره وفایی (بازیهای محلی رایج در تبریز)

و...

مطالعه ورزش باستانی

به مثابه عنصر هویت ملی ←

محمد ابراهیمی
پرتو بیضایی کاشانی
زهره دانایی

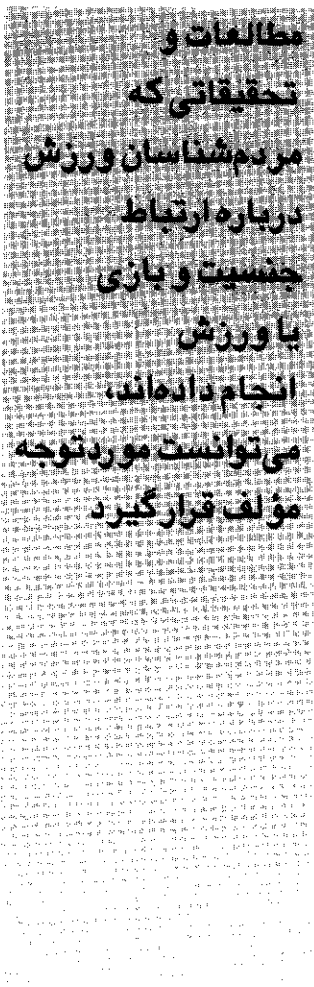
ابراهیم مختاری (میراث پهلوانی) انصافیپور
(تاریخ و فرهنگ زورخانه)

غلامرضا انصافیپور

و...

اسطوره‌شناسی ورزش ←

مهرداد بهار (از اسطوره تا تاریخ)



مطالعات و تحقیقاتی که مردم‌شناسان ورزش درباره ارتباط جنسیت و بازی با ورزش انجام داده‌اند، می‌توانست مورد توجه مؤلف قرار گیرد

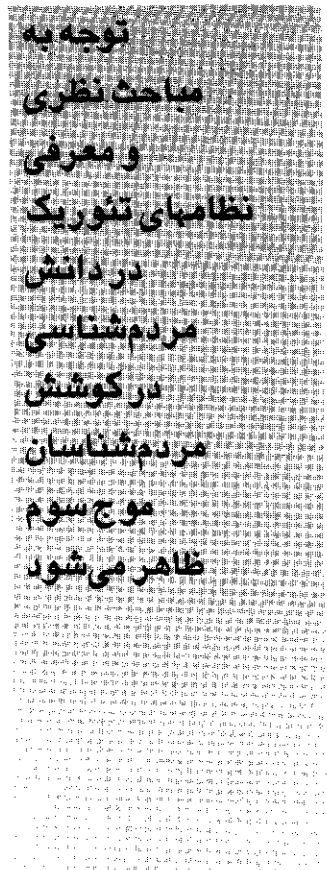
مردم‌شناسی ورزش و بازی از موجهای کم‌رنگ دیگری است که می‌توان از آن در میان کتابهای مردم‌شناسی ایران یاد کرد. در این میان راهنمای بازیهای ایران اثر ثریا قزل‌ایاق (با روش مبتنی بر استان و حوزه فرهنگی و موضوعی)، میراث پهلوانی (روش گفتگو با پهلوانان زورخانه و...) اثر ابراهیم مختاری کتابهایی هستند که از نظر روش‌شناسی ثبت وقایع مردمی به دانش مردم‌شناسی نزدیک‌ترند و از طرف دیگر با توجه عام‌گروه‌زبانی از محققان به موضوع ورزش و بازی در دو قالب روبه‌رو می‌شویم، نخست توجه به موضوعاتی چون کشتی، زورخانه، ورزش پهلوانی و عیاری (جعفر کارزونی، پرتو بیضایی کاشانی، کاظم کاظمی، حمید حمیدی، غلامرضا انصاف‌پور و...) و آثاری که بازیهای یک قوم خاص را با شرح آنها در بر دارد چون ابوالقاسم فقیری (بازیهای محلی فارس) یعقوب غفاری (بازیهای محلی استان کهگیلویه و بویراحمد)، جلال هاشمی تنگستانی (بازیهای محلی استان بوشهر) و... تحلیل اسطوره‌شناختی مهرداد بهار از ورزش زورخانه (از اسطوره تا تاریخ) معرفی بازیهای نمایش از ابوالقاسم انجوی شیرازی (انتشارات امیرکبیر) جایگاهی خاص در این دوره دارد و می‌توان از کتاب بازی، فرهنگ و جوانان که حاصل و مجموعه مقالات سمیناری با همین نام است و در آن مردم‌شناسی چون مرتضی فرهادی حضور داشته‌اند، یاد کرد. گرایش به موضوعات مدرن‌تر مردم‌شناسی ورزش چون فوتبال با طرح مقالاتی چون «فوتبال و مزیت فرهنگها» (نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران - مقاله علمی برگزیده سال ۱۳۸۳ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) خود را پدیدار می‌سازد. در این میان مردم‌شناسی دینی و پزشکی از موجهای کم‌رنگ دیگری اند که با آثار هم‌مرز میان موضوعی چون اهل‌هوا (سعدی) زار، باد، جن (ریاحی) تمعیدیان غریب (عربستانی) [آثار برون دینی] و مانوکیان چهلی (ارامنه، صابئین و...) [درون دینی]، و آیینهای شفا (علیرضا ملک راه) و باورهای درمانی (ایرج افشار سیستانی) و... قابل مشاهده‌اند. در این میان باید به نقش دو مرکز مردم‌شناسی ایران یعنی پژوهشکده مردم‌شناسی و انجمن انسان‌شناسی اشاره کرد که تأثیر فراوان در ظهور شاخه‌های نو و مدرن مردم‌شناسی ایران داشته‌اند، مردم‌شناسی فاجعه، مردم‌شناسی شهری، قوم‌گیاه‌شناسی، قوم‌جانورشناسی و... از این حوزه‌های جدیدند.

مردم‌شناسی جنسیت: معرفی یک زیرشاخه

نقدی که مردم‌شناسی فمینیستی در سیر بر ادبیات این شاخه و دلایل ظهور خود آن را مطرح ساخت، تعریف مردم‌شناسی به صورت مطالعه مردان برای مردان (men for men) بود. از یک سوی ظهور این شاخه با شورش فمینیستی علیه تبعیض و تفاوت‌های جنسی مقارن می‌شود و از سوی دیگر به دنبال تبیین مفاهیم مبهمی است که از گذشته دور عدم تقارن جنسیتی بین زن و مرد را شکل داده است. و این خود در پاسخ به سوالاتی روشن می‌شد که مردم‌شناسان فمینیستی به دنبال آن بودند: «آیا نسبت زنان به مردان چون نسبت طبیعت به فرهنگ است؟»

بدین ترتیب حضور مردم‌شناسان زن در میدان و زمین تحقیق و انتخاب زنان به عنوان گروه مخبران (informant) و موضوع مطالعه، عملاً (به قول شرلی آردنر Shirlly Ardner) صدای گروه بی‌صدایان (muted group) را در فضای مطالعات مردم‌شناختی فرا افکند. نقطه حرکت نظری مردم‌شناسی فمینیستی در آغاز دو الگوی تبیینی را در بر می‌گرفت، نخست نقد تعریف مردانه از زن و استیلای نهادهای تاریخی و ساختار مذکر قدرت که از نظرگاه دوبوآر تأثیر می‌پذیرفت و دیگر توجه به مسئله نسبیت فرهنگی که در آثار مارگارت مید متأثر از بوآس به تئوری جبر فرهنگی نیز پیوست. بر این پایه تنوع و نسبیت فرهنگی آن گونه که مید در ساموآ نشان می‌دهد، برتری و استیلای مردان را با پرسش مواجه می‌سازد. بر این اساس بود که تعریف جنس (Sex) و جنسیت (gender) از مفاهیم کلیدی مردم‌شناسی جنسیت شد و به نقد الگوهای دکماتیک جنسیتی پرداخت، الگوهایی که تعریف پیشینی و مقدم خود را از زنانگی و مردانگی را جهانی، کلی و غیرقابل تغییر می‌انگاشتند. انبوه ادبیات زن‌محوری که از سوی مردم‌شناسان فمینیستی چون مید، پارسونز، بندیکت و... گرد آورده بود، به انتشار کتاب زن، فرهنگ و جامعه (women, culture and society) از سوی دانشگاه استنفورد و انجمن مردم‌شناسی آمریکا ویراسته روزالدو و لمفر (Rozaldo and lam phere) و کتاب به سوی یک مردم‌شناسی زنان (toward an anthropology of women) ویراسته راینر ریتر (Rayna Reiter) انجامید و انتشار دو کتاب یاد شده که مقالات متعددی از استادان دانشگاه‌های هاروارد، میشیگان، شیکاگو و استنفورد را در برداشت، بنیان‌گذاری رسمی این زیرشاخه مهم را در مردم‌شناسی جهان اعلام داشت.

مردم‌شناسی جنسیت اثر امیلیا نرسیسیاناس استاد مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است که از سوی پژوهشکده مردم‌شناسی و نشر افکار منتشر شده است. این کتاب آنچنان که مؤلف در مقدمه اثر



توجه به مباحث نظری و معرفی نظامهای تنوع در دانش مردم‌شناسی در کوشش مردم‌شناسان موج سوم ظاهر می‌شود

خویش‌یادآور می‌شود، شامل ده فصل در معرفی زیرشاخه مردم‌شناسی جنسیت (gender anthropology) است. کتاب مزبور برخلاف مباحثی در دوزبانگی از دیدگاه علوم اجتماعی (کتاب دیگر مؤلف) به ایران نمی‌پردازد. کتاب با عبور از مفهوم فمینیسم ماهیت غیررادیکال خود را آشکار می‌سازد و بیش از تکیه بر مفاهیم «زن» و «زنانگی» تأکید خود را بر مفهوم «جنسیت» بنا می‌نهد. از این لحاظ کتاب یاد شده مبانی علمی و به روزتری را در مقایسه با کتاب فمینیسم و مردم‌شناسی مطرح می‌سازد: به گفته مؤلف «اگر روزی شاهد فعالیت موثر و مسئولانه هر دو جنس با اتکا به حقوق، فرصتها و پادشاهای عادلانه در زمینه‌های مختلف زندگی باشیم مسلماً دنیای بهتر و سالم‌تری را برای کار، فعالیت و زندگی خواهیم داشت» (ص ۱۲) مردم‌شناسی فمینیستی در طول حیات خود با چالشهایی مواجه گشت که آن را با تغییر روش‌شناسی، موضوع و نظام نظری خویش به سمت مردم‌شناسی جنسیت سوق داد. منتقدان مردم‌شناسی فمینیستی رادیکال، در برابر این تنوری که گرایشها و ساختارهای مسلط مردانه در جهان، موجب فرمانبرداری زنان بوده است، آن را ساده‌انگاری وضعیت اجتماعی، ساختار سیاسی و شبکه ارتباطی دو جنس دانستند. از سوی دیگر در اواخر دهه ۱۹۷۰ زنان از قومیت‌های مختلف انتقاد خود را از جنبش مردم‌شناسی فمینیستی آغاز کردند، چراکه مردم‌شناسان زنگرا و زنانه‌نگر، زنان را دارای شرایط یکسان می‌پنداشتند و اثر قومیت، طبقه و ویژگیهای قومی - جنسی را در شکل‌گیری ساختارهای فرهنگی نادیده می‌گرفتند و از همین دست بود آثار نویسندگانی چون ابولقد در کتابهایی چون نگارش جهان زنان (writing women world) که از یک سوی می‌کوشید سهوهای بزرگ فمینیست‌های غربی را در شناخت وضعیت زنان در اسلام، هندوئیسم و ... مرتفع سازد و از سوی دیگر چگونگی اتصال زنان به قدرت را در جوامع سنتی شرح دهد. تأثیر جریانهای نوظهور دیگر چون طرح نقد فمینیسم منفی (negative feminism) یا فمینیسم ضد فمینیسم (feminism-anti feminism) به تعدیل بیشتر مردم‌شناسی فمینیستی و فاصله‌آن از بنیادگرایی تفسیر و حرکت آن به سمت مردم‌شناسی جنسیت منتهی شد. با چنین یشتوانه‌ای است که مردم‌شناس ایرانی در کتاب مردم‌شناسی جنسیت از پارادایم فمینیسم رادیکال فاصله می‌گیرد. همچنان که گفته شد مردم‌شناسی زنان در خاستگاه خود در پی شکستن الگوهای دگمی از نقشهای جنسی در کار مردم‌شناسانی چون مارگارت مید بود، که در نهایت به طرح اصل برابری جنسی می‌انجامید. بنابر چنین ضرورتی است که کتاب فصل دوم خود را به بررسی نقش طبیعت (عامل ژنتیکی) و محیط در شکل‌گیری نقشهای جنسی اختصاص می‌دهد و با قرار دادن نقشهای جنسی در خاستگاه محیطی به نقد قشربندی اجتماعی منشعب و متأثر از نقشهای جنسی می‌پردازد. این مرور در جوامع گردآورندگان، کشاورزی، گله‌داری، باغداری و صنعتی رخ می‌دهد و با اشاره به مفهوم زنانه کردن فقر (feminization of poverty) در جوامع صنعتی، قشربندی جنسیتی را جزو جهانیهای فرهنگی نمی‌شمرد و نسبت کتاب را در تحلیل به پارادایم و الگوی نظری مسلط این زیرشاخه یعنی جبر فرهنگی نمی‌شمرد و نسبت کتاب را در تحلیل به پارادایم و الگوی نظری مسلط این زیرشاخه یعنی جبر فرهنگی در آثار مارگارت مید نشان می‌دهد. از این روی کتاب یاد شده میراث‌دار آثار برجسته مردم‌شناسی جنسیت و مردم‌شناسی فمینیستی و ادبیات مرتبط با آن در آثار نویسندگانی چون دوبوآر و مید است.

در فصل سوم کتاب با عنوان نقش اجتماعی زن و مرد در فرهنگهای گوناگون، مؤلف با آشکار ساختن تثبیت فرهنگی حاکم بر نقشهای جنسی در جوامع گوناگون از تقسیم‌بندی و تعریف مبتنی بر نابرابری جنسی عبور می‌کند. وی جامعه «هادزا» را مثال می‌زند و اطلاعات تاریخی مستند فراوانی را درباره نسبت فرهنگی و تنوع نقشهای جنسی ارائه می‌دهد. (صفحه ۷۳) در واقع تأثیرپذیری کتاب از گفتمان نسبیست فرهنگی آن را در نقد تعاریف متصلب جامعه پدرسالار از فراگیری الگوهای نابرابری جنسی در جهان موفق می‌گرداند، بررسی نقشهای جنسی در جوامع مختلف به همین قصد در کتاب رخ می‌دهد، با این حال بحث درباره موضوعاتی چون غذا و جنسیت، خوراک و زنانگی و ... با اشاره به آثار مردم‌شناسان و فرهنگ‌پژوهانی چون آنا فروید که در این باره دارای آثار ارزشمندی‌اند می‌توانست بر فراگیری و جامعیت کتاب در مروری بر مباحث مطرح در ادبیات جهانی مردم‌شناسی جنسیت بیفزاید. به واقع کتاب مردم‌شناسی جنسیت با نگارشی میان‌شاخه‌ای از زیرشاخه‌های مرتبط مردم‌شناسی چون مردم‌شناسی خوراک و مردم‌شناسی جنسیت، نظام تعریفی بهتری را در شرح شاخه مورد بحث خود می‌توانست کسب نماید. شاید در این مورد کتاب ما و آنها اثر سپیده پارسا پژه که دوزیرشاخه مردم‌شناسی شهری و جنسیت را به منظور درک هویت دختران اسلام آباد کرج برگزیده است، نمونه‌ای مناسب باشد. کتاب از فصل چهارم خود با عنوان «تجربه اجتماعی شدن و روان‌شناسی جنسیت» به تحلیل وقایعی چون

در ادبیات

مردم‌شناختی

طرح مباحث

مربوط به هویت

و جنسیت

با تکیه بر

عنصر عاملیت

همراه است

بازی (game-play) از منظر جنسیت می‌پردازد. در اینجا نیز اگرچه مباحث مطرح شده از سوی مؤلف رسا و روشن است، اما مطالعات و تحقیقاتی که مردم‌شناسان ورزش درباره ارتباط جنسیت و بازی یا ورزش انجام داده‌اند، می‌توانست مورد توجه مؤلف قرار گیرد، آثاری چون: ورزش و نابرابری.

فصل پنجم کتاب به موضوع زبان و جنسیت می‌پردازد و مؤلف آرای لاکف را در مورد چگونگی تفاوت در تولید گزاره‌ها، معانی و گفتار در بین دو جنس زن و مرد بررسی می‌کند. در اینجا شاید مروری بر نظریه‌های مهمی چون زبان مرد محور لکان و نقد آن می‌توانست به گستردگی معرفی نظریاتی که به تأثیر متقابل زبان و جنسیت می‌پردازند، کمک کند و در فصل هفتم مؤلف تاریخچه انسان‌شناسی فمینیستی را مرور می‌کند، و با اشاره به نویسندگانی چون السی کلوزپارسونز، آلیس فلچر، فیلیس کری، مارگارت مید، آرا و آثار آنها را به طور مختصر معرفی می‌نماید.

در این بخش به تأثیر آثاری چون جنس دوم دوبوآر و چگونگی انتشار کتاب زن، فرهنگ و جامعه از روزالد و لمفر اشاره می‌شود. در اینجا کتاب به سوی یک مردم‌شناسی زنان و اهمیت آن از دید مؤلف محترم دورمانده است، حال آن که در منابع غربی و دانشنامه‌ای اثر مزبور در شکل بخشی به مردم‌شناسی جنسیت مهم تلقی می‌گردد. در عین حال به نظر می‌رسد که این بخش می‌توانست مفصل‌تر بوده و با معرفی کامل‌تر و بیشتر آثار، آرا و مؤلفات مردم‌شناسی فمینیستی و جنسیت همراه گردد. در همین بخش نظریه‌های فمینیستی شامل نظریه‌های لیبرال، مارکسیستی، رادیکال و سوسیالیستی و ... مورد بحث، اشاره قرار گرفته است. در اینجا جای تحلیل و بررسی آثار مردم‌شناسان و زن‌پژوهانی چون ابولقد که به بررسی جوامع اسلامی و هند و ... پرداخته‌اند خالی است.

فصل هشتم و نهم کتاب به موضوع هویت و جنسیت اختصاص دارد. در این بخش بحث جامع مؤلف کتاب به شرح فرایند شکل‌گیری هویت از منظر جنسیتی می‌پردازد اما مضامین مهمی چون وضعیت چندهویتی در جوامع چندرنگه و موقعیت مدرنیزاسیون که جامعه ایرانی با آن مواجه است، مورد توجه مؤلف واقع نشده است. این بخش بیشتر از دیدگاه کنش متقابل نمادی و نظریه‌پردازی چون جورج هربرت مید متأثر است. در ادبیات مردم‌شناختی طرح مباحث مربوط به هویت و جنسیت با تکیه بر عنصر عاملیت همراه است و تئوری عاملیت، نظریه‌های مردم‌شناختی را از خود متأثر می‌سازد، و کتاب با پرداختن به این موضوع نیز می‌توانست بخش قابل توجهی از ادبیات مردم‌شناسی جنسیت را معرفی و مورد ارزیابی قرار دهد.

فصل پایانی کتاب پارادایم‌های فمینیستی نام دارد که چگونگی تولید دانش زنانه و تأسیس نهاد مطالعات زنان از مناظری گسترده مورد بحث مؤلف قرار می‌گیرد. کتاب مردم‌شناسی جنسیت علی‌رغم آن که می‌توانست با بررسی این شاخه و ادبیات آن در زمینه ایران جامع‌تر و کامل‌تر گردد اما کتابی ارزشمند در معرفی این شاخه مهم از مطالعات مردم‌شناختی است و ممارست پیگیر و بی‌وقفه مؤلف، او را در شرح روان بسیاری از موضوعات اساسی کتاب موفق گردانده است. حضور نرسیسیانس در دو موج از امواج مطالعات مردم‌شناسی ایرانی نشانگر جدیت و فعالیت آشکار اوست. در این میان به نظر می‌رسد افزودن فصلی که به بررسی آرای مردم‌شناسانی که در خارج از کشور به مسئله جنسیت در ایران پرداخته‌اند (نجم‌آبادی، حائری، فریدل، میلانی و ...) و نیز کتابنامه‌ای مفصل‌تر از آثار مرجع مردم‌شناسی جنسیت در ایران و جهان، و افزایش مثالهای کاربردی در مورد ایران در زمینه‌هایی چون زبان، هویت و ... در موفقیت بیشتر کتاب مذکور در چاپهای بعد می‌تواند مؤثر باشد. با این حال ارزش کتاب یادشده در منابع فارسی به ویژه در مقایسه با اثر فمینیستی و شتاب‌زده فمینیسم و مردم‌شناسی از ایولین رید غیر قابل انکار است.

جا دارد نگارنده افسوس خود را از شتاب ناشر و جایجا چاپ شدن چند صفحه از کتاب ارزشمند مردم‌شناسی جنسیت اعلام دارد.

به امید آنکه آثار آتی ادبیات مردم‌شناختی در پناه کاری حرفه‌ای و گروهی از چنین اشتباهاتی مبرا باشد. درباره کتاب مردم‌شناسی جنسیت در پایان باید گفت که کتاب مزبور در برجسته‌تر شدن یکی از امواج مردم‌شناسی ایرانی یعنی مردم‌شناسی جنسیت موفق بوده است. در این باره باید توجه داشت که موج مزبور از سوی مردم‌شناسان ایرانی جنسیت چون افسانه نجم‌آبادی در زبان انگلیسی بسیار قدرتمند ظاهر شده است و کافی است به دانشنامه زنان و فرهنگهای اسلامی دانشگاه هاروارد که ویراستاران افسانه نجم‌آبادی است، اشاره داشت. بی‌شک انبوه آثار انگلیسی مردم‌شناسی جنسیت که بخشی قابل توجه از ادبیات مردم‌شناسی ایرانی در زبان انگلیسی را دربردارد، لزوم تدوین، تألیف و انتشار کتاب در این زیرشاخه مهم مردم‌شناسی را در زبان فارسی الزامی و اساسی می‌سازد.